

گزارش

نگاهی به فروش سینماها در آخرین روزهای تابستان

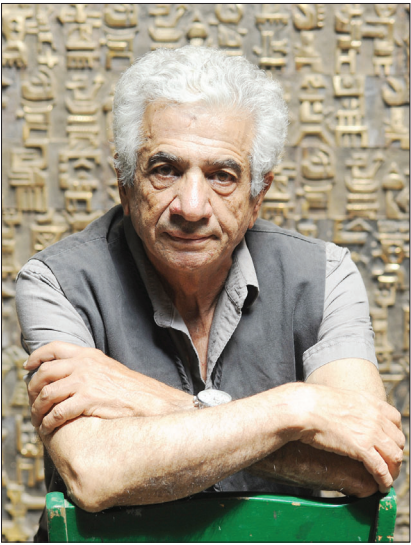
معادله گیشه تغییر کرد

بهناز شیربانی: چند ماه پیش، درست بعد از اتمام چهل‌وپه‌چهارمین جشنواره فیلم فجر، بسیاری از منتقدان و اهالی سینما با صراحت نظرشان را درباره اکران‌های سال آینده سینمای ایران اعلام کردند. از نگاه آنها مجموع فیلم‌هایی که اکران امسال سینمای ایران را تشکیل می‌دهند، به لحاظ فروش چشمگیر نیستند و می‌توان با گذشت شش ماه از سال و با نگاه به فروش فیلم‌های روی پرده به این نتیجه رسید که فیلم‌های روی پرده تا حد زیادی نتوانسته‌اند مخاطب را راضی نگه دارند. سینماها در یک هفته اخیر براساس اعلام سامانه سفا به فروش حدودا ۵۳ میلیارد تومانی دست یافتند که حدود یک میلیارد تومان نسبت به هفته پیش کاهش پیدا کرده است. این در حالی است که در چند ماه اخیر برخی از فیلم‌های مطرح جشنواره فیلم فجر که بسیاری گمان می‌کردند پتانسیل جذب مخاطب بالا را دارند نیز اکران شده‌اند که ازجمله آنها می‌توان به «زنده‌شور» و «اسکورت» اشاره کرد که این دو فیلم با وجود اینکه فیلم‌های جدی و غیرکمدی هستند، به فروش خوبی در گیشه دست یافته‌اند. فیلم سینمایی «زنده‌شور» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی کاظم دانشی از ۲۴ تیر اکران خود را آغاز کرد. «زنده‌شور» درباره یک شب از کار مرضی زند، نماینده دادسان است که برای اجرای حکم پنج اعدامی متهم به قتل به شهر دیگری آمده، اما اجرای حکم اول تازه آغاز ماجراست. بهرام افشاری، سارا بهرامی، حامد بهداد، امیر جعفری، شبنم مقدمی، صدف اسپهبدی، محمد ولی‌زادگان، رویا جاویدنیا، علیرضا محمدی‌آرا، عرفان ناصری، فرید سجادی‌حسینی، بهرام ابراهیمی، حسین پورکرمی، مارال فرجاد، محمد عسکری و تئورج الوند در این اثر سینمایی حضور دارند. «زنده‌شور» با فروش حدود ۱۴ میلیارد تومان همچنان در صدر فروش گیشه سینماها قرار دارد و از معهود آثار غیرکمدی سینمای ایران است که توانسته مخاطب زیادی را راهی سالن‌های سینما کند. فیلم سینمایی «استخر» به کارگردانی سروش صحت نیز از ۲۴ تیر اکران خود را آغاز کرد. «استخر» برخلاف دیگر آثار س‌روش صحت، در جذب نظر منتقدان چندان موفق عمل نکرد، اما آمار فروش ۱۳ میلیاردی این فیلم نشان می‌دهد در جذب مخاطب‌های موفق بوده است. این فیلم درباره زوجی است که زندگی آرام و در ظاهر بی‌مشکلی دارند، ولی زن بعد از ۵۸ سال زندگی مشترک و با داشتن پسر و جوان، ناگهان بی‌علاقگی خود را به همسرش اعلام می‌کند و از جا جدا می‌شود. مرد در شک و چرایی این جدایی سرگردان، مهیوت و غمزه است... .امین حبایی، سحر دولتشاهی، مهران مدیری، کاظم سیاحی، علیرضا خمسه، پانته‌آ پناهی‌ها، بیژن نبشقه‌خواه، مجید یوسفی و سورنا صحت در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند. فیلم سینمایی «اسکورت» به نویسندگی و کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصوری، ازجمله فیلم‌هایی است که به محض نمایش در جشنواره چهل‌وپه‌چهارم فیلم فجر، بسیاری از منتقدان و اهالی رسانه هم‌نظر بودند که می‌توان آن را یکی از پر فروش‌های سال دانست. «اسکورت» با روایت داستانی اجتماعی اما در ژانر اکشن توانست نگاه بسیاری از منتقدان سخت‌گیر سینما را متوجه خود کند و در واپسین روزهای تابستان به اکران سینما رسیده است. این فیلم از ۱۱ شهریور اکران خود را آغاز کرده و به فروش حدود ۱۱ میلیارد تومانی رسیده است. «اسکورت» درباره اصران، سرباز وظیفه‌ای است که در جریان تعقیب یک خودروی شوتی با حادثه‌ای روبه‌رو می‌شود که مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد. او برای تأمین داروی دوست بیمار خود ناچار می‌شود با یک راننده زن شوتی همراه شود و در انتقال یک محموله قاچاق، نقش اسکورت او را بر عهده بگیرد. در جریان این سفر، اصران میان وظیفه قانونی خود، نجات جان دوستش و شرایط دشوار زندگی شوتی‌ها گرفتار می‌شود. امیر جدیدی، هدی زین‌العابدین و افشین هاشمی در این فیلم سینمایی ایفای نقش کرده‌اند. انیمیشن سینمایی «سفینه نجات» به کارگردانی هادی محمدیان و تهیه‌کنندگی محمدرضا مهدیان است که از چهارم شهریور اکران شده است، با فروش شش میلیارد، یکی دیگر از فیلم‌های پر مخاطب سینماست. در خلاصه داستان این اثر آمده است: «در سیاره‌ای دوردست دختری به نام دریا منتظر قهرمانی افسانه‌ای است که آنها را از دست آبدزدک‌ها نجات دهد. هم‌زمان پسر بچه‌ای عاشق قهرمان شدن به نام هانی که اشتباهی به جای یک میمون فضانورد در آسمان سرگردان است، وارد سیاره آنها می‌شود». «نایلون در باغ زردآلو» به نویسندگی و کارگردانی حامد محمدی و تهیه‌کنندگی احسان طلیعی‌پور دیگر فیلم کمدی روی پرده سینماهاست. حامد محمدی پیش از این با ساخت فیلم‌هایی همچون «اکسیدان»، «چیپ، راست»، «چهار انگشت»، که عمدتا فیلم‌های موفقی در جذب مخاطب بوده‌اند، این بار با کمدی متفاوت دیگری باگشته است. این فیلم از چهارم شهریور اکران خود را آغاز کرده و با فروش حدود شش میلیارد تومان، در رتبه سوم فروش قرار گرفته است. سعید آقاخانی، امیر جعفری، غلامرضا نیکخواه، ناهید مسلمی، امید روحانی، شادی خلیلی، قاسم راز، لیما نوری‌زاده و یوسف تیموری در این اثر سینمایی حضور دارند. در خلاصه داستان «نایلون در باغ زردآلو» آمده است: آقا بهمن و آقا یحیی در زندان نقشه بزرگ‌ترین زردی عمرشان را می‌کشند تا بارشان را برای همیشه ببندند. فیلم سینمایی «سقف» به نویسندگی مشترک ابراهیم امینی و علی‌محمد حسام‌فر اکران خود را ۲۸ مرداد آغاز کرده است و با فروش یک میلیارد و ۴۲۲ میلیون تومان در رتبه بعدی فروش قرار دارد. سام درخشانی، فریا نادری، بیژن نبشقه‌خواه، شیرین قاسمی، شیرین آقاکاشی، بابک کلی، سانی سالاری، حسین رame، با معرفی سجاد آوینی و وزرا اسکندری و بازیگر خردسال ارسلان همتی بازیگرانی هستند که در این فیلم سینمایی نقش آفرینی کرده‌اند.

حسین کنجی: «فرهنگ مادی، مطالعه باورها- ارزش‌ها، ایده‌ها، نگرش‌ها و مفروضات- یک جامعه در زمانی معین از خلال مصنوعات آن است.» جولز دیوید پراون، «ذهن در ماده: درآمدی بر نظریه و روش فرهنگ مادی»، ۱۹۸۲. اگر تعریف جولز دیوید پراون را جدی بگیریم، یک خورجین کهنه دیگر صرفاً دو کیسه پشمی متصل به هم نیست؛ همان‌طور که مفرش فقط محفظه‌ای برای حمل رختخواب، نمکدان فقط کیسه‌ای برای نمک دام و جُل صرفاً پوششی برای اسب نیست. شکل، اندازه، شیوه بافت، جنس پشم، تقسیم‌بندی سطح، رنگ، محل قرار گرفتن نقش و حتی ساییدگی چنین اشیائی می‌توانند درباره شیوه حرکت، اقتصاد خانواده، تقسیم کار، رابطه انسان و دام، جغرافیا و ذائقه بصری جامعه‌ای اطلاعات بدهند که آنها را ساخته و به کار برده است. اهمیت کاری که پرویز تناولی بیش از ۶۰ سال انجام داده، دقیقاً از همین‌جا آغاز می‌شود: او به مجموعه‌ای از اشیاء توجه کرد که در سلسله‌مراتب رسمی هنر، اغلب نه «اثر هنری»، بلکه صنعتی‌دستی، ابزار زندگی یا حداکثر «هنر قومی» به شمار می‌فتند. لوحی که در دست تناولی در تصاویر اهدای این جایزه دیده می‌شود، خود سبند مختصری از نتیجه این مسیر است. بر صفحه‌ای روشن با حاشیه هندسی آبی‌رنگ نوشته شده: «جایزه «جورج هیوویت مایرز» به «پرویز تناولی»، به پاس دستاوردهای یک عمر فعالیت و مشارکت‌های ارزشمندی او در پشپرد حوزه هنرهای نساجی اهدا شد». همین عبارت تعیین‌کننده است. نام «هیج»، مجسمه‌سازی مدرن، سقاخانه یا رکوردهای بازار هنر در آن نیست. عنوان رسمی تناولی در فهرست برگزیدگان ۲۰۲۶ نیز نه «Sculptor»، بلکه «Scholar and Collector»، «پژوهشگر و مجموعه‌دار» است. موزه نساجی دانشگاه جورج واشینگتن دلیل انتخاب او را بیش از ۶۰ سال مطالعه، مستندسازی و گردآوری قالی‌های عشایری، تخت‌بافته‌ها و منسوجات کوچ‌نشینان ایران، همراه با بیش از ۴۰ کتاب و مقالات متعدد اعلام کرده است. خود موزه این جایزه را «بالترین افتخار بین‌المللی در حوزه هنرهای نساجی» می‌خواند. این انتخاب از سوی هر نهادی صورت نگرفته است. موزه نساجی واشینگتن در ۱۹۵۰ به دست «جورج هیوویت مایرز» تأسیس شد و مطالعه فرش و منسوجات ایرانی از همان آغاز در کانون مجموعه آن قرار داشت. هنگام تأسیس موزه، مایرز ۴۶ قالی ایرانی در اختیار داشت؛ در زمان مرگ او در ۱۹۵۷، مجموعه به ۴۴۵ منسوج ایرانی، ازجمله ۹۳ قالی رسیده بود. دانشنامه ایرانیکا شمار کتونی آثار ایرانی موزه را ۷۰۴ منسوج و ۳۳۵ قالی ذکر می‌کند. به بیان دیگر، مؤسسه‌ای که امروز کار تناولی را داوری کرده، نزدیک به یک قرن است که به شکل سازمان‌یافته فرش و منسوج ایران را گردآوری، حفاظت، طبقه‌بندی و مطالعه می‌کند. اهمیت جایزه را در همین سابقه تخصصی می‌آید، نه صرفاً از آنکه در آمریکا اهدا شده است. موضوع اصلی، بایان‌حال، خود اشیاست. دستبافته‌های عشایری را باید پیش از قرارگرفتن بر دیوار موزه در وضعیت نخستین‌شان دید؛ روی زمین، بر پشت اسب و شتر، در چادر، کنار آتش، میان اثاث خانواده یا در مسیر کوچ. دستگاه بافت افقی عشایر بگونه‌ای ساخته می‌شد که قابلیت جمع‌شدن و انتقال داشته باشد. پشم اغلب از دام خود خانواده می‌آمد، ساختار بافت با نیاز کاربردی شیء، نسبت مستقیم داشت و رنگ و نقش در سطحی شکل می‌گرفت که باید هم‌زیبا می‌بود و هم در برابر استفاده مداوم دوام می‌آورد. مفرش حجمی بافتنی است؛ خورجین معماری کوچکی برای حمل است؛ نمکدان فرمی دارد که از کارکردش ناشی می‌شود. در این اشیاء مرز «طراحی»، «کاربرد» و «ترتیب» به آسانی قابل تفکیک نیست. فرم از زندگی می‌آید.

کار تناولی: ثبت پیش از محو

این «محو» لزوماً به معنای نابودی کامل یک قوم یا پایان یافتن بافندگی نیست. مسئله دقیق‌تر، از دست رفتن شبکه‌ای است که شیء در آن معنا داشت. از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، همان زمانی که تناولی توجه خود را به دستبافته‌های عشایری معطوف کرد، زندگی کوچ‌نشینی در ایران با دگرگونی‌های گسترده‌ی روی‌رو بود. سیاست‌های دولتی کنترل و یکجانشینی عشایر سابقه‌ای قدیمی‌تر داشت، اما اصلاحات ارضی دهه ۱۹۶۰، گسترش راه‌ها، آموزش، ارتباطات، بازار شهری و تغییر الگوی اقتصاد خانوار این فرایند را شتاب بخشید. دانشنامه ایرانیکا تأکید می‌کند که اصلاحات ارضی «انقلاب عظیم» دومین تلاش عمده حکومت پهلوی برای تغییر ساخت اجتماعی و اقتصادی کوچ‌نشینان بود؛ پژوهش‌های مربوط به قالی‌های عشایری نیز از تغییر سریع و در مواردی برگشت‌ناپذیر شیوه زندگی و در نتیجه از دست رفتن بخشی از زمینه سنتی تولید این بافته‌ها سخن می‌گویند. بنابراین، آنچه تناولی جمع می‌کرد و



پیرامونش پژوهش انجام می‌داد، فقط «نمونه‌های زیبا» نبود. او با بقایای مادی یک شیوه زندگی مواجه بود که خود شرایط تولیدش در حال تغییر بود. این تفاوت مهمی است. اگر یک خورجین از پشت اسب پایین بیاید و برای همیشه بر دیوار مجموعه‌دار آویخته شود، هنوز خورجین است، اما بخش بزرگی از معنای نخستین خود را از دست داده است. کار پژوهش از همین لحظه ضروری می‌شود: این شیء را چه کسانی ساخته‌اند؟ در کدام منطقه؟ با چه ساختاری؟ برای چه استفاده‌ای؟ رنگ‌ها چگونه فراهم شده‌اند؟ تفاوت آن با نمونه‌ای متعلق به گروهی دیگر چیست؟ و چرا اصلاً چنین شکل خاصی پیدا کرده است؟ تناولی در پاسخ به این پرسش‌ها به «جمع‌کردن» بسنده نکرد. تأسیس انجمن فرش تهران در ۱۹۷۳، نمایشگاه‌های تخصصی و انتشار پژوهش‌های پی‌درپی بخشی از فرایندی بود که مجموعه خصوصی را اکنون به سرمایه‌ای بزرگ و ماده پژوهشی تبدیل کرد. اهمیت این سابقه وقتی روشن‌تر می‌شود که بدانیم رابطه او با همین موزه نساجی واشینگتن بیش از نیم‌قرن قدمت دارد. نمایشگاه «قالیچه‌های شیرازی» فارس از مجموعه منیزه و پرویز تناولی» از نهم ژانویه تا هفتم فوریه ۱۹۷۵ در The Textile Museum واشینگتن برگزار شد و سپس به گالری گری دانشگاه نیویورک رفت. بنا بر این جایزه ۲۰۲۶ نه کشف ناگهانی یک مجسمه‌ساز مشهور ایرانی توسل نهادی آمریکایی، بلکه نقطه تازه‌ای در رابطه‌ای پژوهشی است که دست‌کم ۵۱ سال پیش آغاز شده بود.

کتاب «شاهسون» قالی‌ها و منسوجات ایرانی» در ۱۹۸۵ شاید روشن‌ترین نمونه روش او باشد. کتاب تنها لیستی از نمونه‌های زیبا نیست؛ تاریخ و جغرافیا، طرح و نشانه، ساختارهای بافت و تغییر روش‌های تولید را در کنار هم قرار می‌دهد. ناشر همان زمان توضیح می‌داد که برخی اشیاء ثبت‌شده‌ای که کلمب یا مفرش منتظر تأیید بوده‌اند و برخی دیگر از صندوق خانواده‌هایی بیرون آمده‌اند که از کوچ‌نشینی به روستا یا شهر منتقل شده بودند و هشدار می‌داد که با سرعت تغییر زندگی قبایل ایرانی، انجام دوباره پژوهشی در آن ابعاد ممکن است دیگر امکان‌پذیر نباشد. همین کتاب همچنین به مسئله‌ای مهم در تاریخ‌نگاری فرش پاسخ می‌داد: بسیاری از بافته‌های شاهسون در بازار با عنوان کلی «قققشانی» گردش می‌کردند؛ پژوهش نظام‌مند می‌توانست شیء را دوباره به جغرافیا و جامعه سازنده آن نسبت دهد. اینجاست که باید در یک گزاره رایج کمی احتیاط کرد. پژوهش تناولی این اشیاء را «از صنایع دستی» به هنر» تبدیل نکرد. چنین جمله‌ای ناخواسته همان سلسله‌مراتبی را بازتولید می‌کند که هنرهای کاربردی را پایین‌تر از هنرهای زیبا قرار می‌دهد. ارزش زیبایی‌شناختی یک کلمب یا مفرش منتظر تأیید پژوهشگر نمانده بود؛ کاری که پژوهش انجام داد چیز دیگری بود: شرایط دیدن را تغییر داد. وقتی بافته دارای نام، جغرافیا، ساختار، کارکرد، تاریخ، نسبت قومی و امکان مقایسه می‌شود، دیگر نمی‌توان آن را به‌سادگی در رده مبهم «صنایع دستی محلی» گذاشت. دانش، اثر از خلق نمی‌کند؛ لایه‌هایی را که بی‌دانشی از دید پنهان کرده بود، آشکار می‌کند. این نکته از منظر تاریخ هنر ایران جدی‌تر است. در روایت غالب هنر مدرن، تناولی را از «هیج» شیرها، شاعرها، ققل‌ها و سقاخانه می‌شناسیم. اما شاید بخش مهمی از دستگاه بصری او خارج از آتلیه ساخته شده باشد: در بازارهای محلی، سفرها، روستاها، چادرهای عشایری و مواجهه طولانی با اشیائی که سازندگانشان

آنجا که تاریخ هنر کمتر نگاه کرده است

جایزه «جورج هیوویت مایرز» برای پرویز تناولی و ۶۰ سال جست‌وجو در میان دستبافته‌های اقوام ایران

مسئله خط، سطح، انتزاع، تکرار، ریتم و هندسه را بدون ورود به گفتمان رسمی هنر مدرن حل کرده بودند. این پژوهش‌ها فعالیتی جانبی در زندگی یک مجسمه‌ساز نیستند؛ یکی از منابع شکل‌گیری نگاه او به فرهنگ بصری ایران‌اند. خود جایزه مایرز هم در چنین بستری معنا پیدا می‌کند. جایزه از ۲۰۰۵ آغاز شده و نخستین برگزیده آن جک نور لارسن، طراح، نویسنده و مجموعه‌دار منسوجات بود. در دوره‌های بعد، پژوهشگرانی همچون جان تامپسون، متیل کیتینگر و والتر دنی، مجموعه‌دارانی مانند لوید کوتسوس و چهره‌هایی مانند یوشیکو لیوماموتو وادا آن را دریافت کرده‌اند. نخستین مراسم در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ به شکل شام رسمی و رویداد حمایتی در هتل ماندارین اورینتال واشینگتن برگزار شد؛ در سال‌های اخیر قالب جایزه تغییر کرده و برنامه تاتولی در اول سپتامبر ۲۰۲۶ به‌صورت مجازی برگزار شد. بروس باکتر و وندل سوان، از اعضای هیئت موزه، در آن برنامه درباره سهم تناولی در مطالعات منسوجات سخن گفتند و نمونه‌هایی یوشیکو لیوماموتو وادا آن را درباره‌شان در فرهنگ‌های عشایری ایران نمایش داده شد. لوح جایزه تاریخ ژوئن ۲۰۲۶ را دارد؛ مراسم عمومی اعطا سه ماه بعد انجام گرفت. اما مهم‌ترین پرسش این ماجرا شاید در واشینگتن نباشد؛ در ایران است. آنجا که باید پرسید ما خود برای خود چه می‌کنیم؟ در ۱۹ آبان ۱۳۹۹ تفاهم‌نامه‌ای برای اهدای مجموعه دستبافته‌های تاتولی به وزارت میراث فرهنگی امضا شد. آنچه منابع رسمی ذکر می‌کنند، رقم هزارو ۴۰۸ قطعه است: از خورجین، چته، جوله، تاجه و مفرش تا نمکدان، سفره، گلیم، جاجیم، گبه و پوشش‌های اسب و شتر. شرط و هدف این اقدام تناولی هم مشخص بود: نمایش عمومی و خصوصی مجموعه در داخل و خارج کشور و ایجاد موزه‌ای تخصصی و دائمی به نام دستبافته‌ها. با گذشت بیش از پنج سال، موزه تخصصی و دائمی‌ای که جزء اهداف اصلی تفاهم‌نامه بود، هنوز تحقق پیدا نکرده و مجموعه عمدتا در کنجینه باقی مانده است که گاهی هم درباره وضعیت نگهداری آن خبرهایی نگران‌کننده به گوش می‌رسد. تناولی نزدیک به شش دهه سفر کرده، خریده، طبقه‌بندی کرده، نوشته، نمایشگاه برگزار کرده و منتشر کرده است. در آن سوی جهان، نهادی که از ۱۹۲۵ تخصص خود را بر مطالعه منسوجات بنا کرده، ۵۰ سال رابطه با او این حوزه را در آرشيو، نمایشگاه، کتاب و سرانجام جایزه ثبت می‌کند.

در ایران، مجموعه‌های هزارو ۴۰۸ قطعه‌ای که خود می‌تواند مبنای یک مرکز پژوهشی، آرشیو دیجیتال، آزمایشگاه حفاظت، کتابخانه تخصصی و موزه‌ای زنده درباره فرهنگ مادی اقوام ایران باشد، هنوز از حداقل‌های یک نمایش ساده بی‌بهره است. برگزداشت تناولی زمانی کامل خواهد شد که مجموعه او نه یادمان یک فرد، بلکه زیرساختی برای بازگرداندن نام و دانش به جوامعی باشد که در این اشیا را ساخته‌اند، همان‌زمانی که خود با یادآوری یک بخش و به تولیدکنندگان گمنام بسیاری از این آثار و شیوه تولیدشان اشاره کرده است. از این منظر، موفقیت اصلی کار تناولی در این است که او متوجه شد چیزی که در نگاه رسمی کوچک و کم‌اهمیت به نظر می‌رسد، ممکن است حامل دانشی بزرگ باشد. یک نمکدان می‌تواند به اندازه یک تابلو درباره رنگ و ترکیب‌بندی سخن بگوید؛ یک خورجین می‌تواند مسئله تقارن، تکرار و ساختار را حل کند؛ مفرش می‌تواند نسبت سطح و حجم را پیش بکشد؛ و جُل اسب می‌تواند نشان دهد چگونه زیبایی در جامعه‌ای دیگر الزاماً از کاربرد جدا نشده است. هنر معاصر ایران اگر این اشیا را صرفاً «منبع الهام سنتی» برای هیوویت مایرز» برای پرویز تناولی، در نهایت بیش از یک مدالی بر کارنامه هنرمندی مشهور باشد، به ما یادآوری می‌کند که بخش مهمی از تاریخ هنر هنوز در جاهایی قرار دارد که تاریخ هنر عادت نکرده است به آنها نگاه کند. تناولی بیش از ۶۰ سال به همان جا نگاه کرد. محدودیت کار او نیز از همین نقطه آغاز می‌شود: این پروژه اگر در یک موزه، آرشیوو و برنامه پژوهشی مستقل و پایدار ادامه پیدا کند، سرانجام دوباره به نام و زندگی یک مجموعه‌دار وابسته خواهد ماند. دستاوردهای هنرمندی زمانی تثبیت می‌شود که «مجموعه تناولی» از میراث شخصی او عبور کند و به یک منبع عمومی برای شناخت تاریخ اجتماعی و بصری ایران بدل شود که دیگر این کار او نیست و بخش خصوصی و دولتی باید دست بچیناند. در این معنا، مهم‌ترین بخش جایزه‌ای که در واشینگتن به تناولی داده شد، خود لوح نیست؛ این است که یک نهاد توانسته ۶۰ سال کار منسجم و مداوم در میدان، مجموعه، کتاب و نمایشگاه را به عنوان یک پروژه تولید دانش تشخیص دهد و نام‌گذاری کند. پرسش دشوارتر اکنون متوجه ماست: آیا نهادی در ایران وجود خواهد داشت که بتواند همان دانش را نه‌فقط تقدیر، بلکه نگهداری، تکمیل، نقد و به نسل بعد منتقل کند؟

یادداشت

سیستان و بلوچستان در جست‌وجوی جایگاه واقعی

مهراب طوقی

فعال اجتماعی

در تقویم رسمی و نمادین استان‌ها، «روز سیستان و بلوچستان» بیش از آنکه یک مناسبت تشریفاتی باشد، ایستگاهی برای تأمل در پیوند میان گذشته‌ای کهن و اسطوره‌ای و آینده‌ای است که هنوز در سایه محرومیت‌های انباشته، مجال شکوفایی کامل نیافته است. این روز، فرصتی است تا از سویی به میراث سترگ «شهر سوخته و قلعه بجمبور» و فرهنگ غنی مردمان این دیار بباییم و از سوی دیگر، با نگاهی واقع‌بینانه به وضعیت موجود، مطالبات بحق شهروندان این استان را بازخوانی کنیم. سیستان و بلوچستان نه یک پیرامون دوردست، بلکه یکی از ستون‌های اصلی تمدنی ایران است. قلعه نقتان، نخلستان‌های سربلند و کرانه‌های سواحل مکران، تنها نمادهای جغرافیایی نیستند؛ آنها شاهدان عینی تاریخ پرفرازونشیب مردمی هستند که با وجود تمامی ناملاهیات، مرزبانان حدود فرهنگی و جغرافیایی این سرزمین بودند. اما امروز، این «روز» باید به فرصتی برای گذار از «توصیف محرومیت» به «تحقق توسعه» تبدیل شود. مردم سیستان و بلوچستان همسو با اراده جمعی برای آبادانی، مطالبات مشخصی دارند که تحقق آنها نه‌تنها خواست مردم، بلکه ضرورتی ملی است:

۱. عدالت در توسعه زیرساختی و صنعتی: استان پهناور سیستان و بلوچستان نیازمند جهشی بزرگ در زیرساخت‌های حمل‌ونقل (جاده‌های ایمن، فرودگاه و راه‌آهن) و زیرساخت‌های انرژی است. شکاف توسعه‌یافتگی میان این استان و سایر نقاط کشور، نه‌تنها مانعی برای رشد اقتصادی، بلکه مانعی برای آمایش سرزمینی است. نگاه عدالت‌محور به توزیع منابع، احیا و توسعه معادن و گسترش صنایع تولیدی از مطالبات اصلی نخبگان و مردم این دیار است.

۲. آموزش و توانمندسازی سرمایه انسانی: یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های سیستان و بلوچستان، نیروی انسانی جوان و بااستعداد آن است. اما شاخص‌های نگران‌کننده آموزش و کمبود فضای استاندارد تحصیلی، سدی بزرگ در برابر آینده‌سازی این نسل است. مطالبه مردم، نه کمک‌های مقطعی، بلکه سرمایه‌گذاری پایدار روی توسعه فضاهای آموزشی و «آموزش باکیفیت» است تا فرزندان این سرزمین بتوانند در عرصه‌های ملی و بین‌المللی نقش آفرین باشند.

۳. مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی و معیشتی: خشک‌سالی‌های پی‌درپی و بحران آب در شمال و جنوب استان، معیشت هزاران خانوار را نشانه رفته است. مطالبه جدی، تدوین و اجرای طرح‌های جامع مدیریت منابع آبی با رویکرد مشارکت بومی و بین‌المللی است. حمایت از فعالان صنایع دستی و گردشگری و توسعه ظرفیت‌های تجارت مرزی (زمینی و دریایی) راهکارهایی است که می‌تواند به اولویت اجرایی تبدیل شود.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود قسمتی از پلاک ۲۱۰۷ اصلی شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۰۵٫۲۴ متر مربع ، واقع در بخش ده تهران مورد تقاضای فاطمه عرب فرزند غلامعلی با کد ملی ۰۴۵۱۳۰۹۶۴ تاکنون بعمل نیامده و پلاک فرعی ۴۸۸ از ۲۱۰۷ اصلی به آن اختصاص یافته است در عمل به تبصره ماده ۱۵ قانون ثبت

مقدور نبوده است لذا عملیات تحدید حدود ملک مذکور در تاریخ ۱۴۰۵٫۰۷٫۲۱ روز سه شنبه ساعت ۱۲ صبح در محل وقوع ملک شروع و بعمل خواهد آمد. بدینوسیله باطلاع مجاورین پلاک ثبتی موصوف می رساند در روز و ساعت مقرر در محل حضور به هم رسانند چنانچه اعتراضی به حدود و حقوق ارتفاقی داشته باشند ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت تسلیم و رسید دریافت دارند و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده اصلاح مواد ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت مصوب ۷۳٫۳٫۲۵ مجلس محترم شورای اسلامی ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به دفتر این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند.

م الف ۱۳۸۷۸ اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت (تهران)

برگ سبز، بیمه‌نامه و کارت خودرو پراید ۱۱۱ سفید مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ۳۸ ایران ۶۸۸۵۲۲ شماره شاسی ۰۳۶۵۸۳۶۰۳ NAS۴۳۱۱۰ و شماره موتور ۵۴۲۴۲۱۷ به نام بانو قاسمی با کدملی ۵۲۸۹۸۲۶۴۴۴ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای عبدالرضا بابایور با ارائه دو برگ شهادات شهود که در دفترخانه اسناد رسمی ۲۱۲ بابل تصدیق امضاء شده است و طی درخواست سند مالکیت شش‌دانگ پلاک ۴۸ فرعی از ۲۵۹۲ / ۰۵ / اصلی بخش ۱ شرق ثبت بابل که به شماره چایی ۱۶۱۱۴۵ س‌ری ب سال ۹۶ ذیل دفتر الکترونیکی به شماره ۰۱۶۳۱۹۰۰۰۴۳۱۹۶۲۰۳۱۰۰۰ بنام ایشان صادر و تسلیم شده در اثر جاییایی مفقود گردیده است. لذا در اجرای ماده ۱۲۰- اصلاحی آیین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن در صورتی که تا ۱۰ روز تا انتشار آگهی اعتراض نرسیده یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشده باشد نسبت به صدور سند المثنی اقدام خواهد شد.

رونوشت: به ستاد اجرایی فرمان امام (ره)جست استحضار
م.الف. ۲۲۷۰۲۲۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

سید مهدی حسینی کریمی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بابل ۴۱۸۴

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علی سهرابی (که به موجب ماده ۴۰ قانون ثبت احوال نام خانوادگی از سهرابی بور خانی به سهرابی و به موجب تصمیم هیات حل اختلاف نام مالک از نادعلی به علی تغییر یافت) با ارائه دو برگ شهادات شهود که در دفترخانه اسناد رسمی ۲۴۵ بابل تصدیق امضاء شده است و طی درخواست سند مالکیت شش‌دانگ پلاک ۳۸۵ فرعی از ۱۳۱۴ فرعی از ۲۸۱۵ و ۲۸۱۵- اصلی بخش ۱ شرق ثبت بابل که به شماره چایی ۶۸۷۸۹۹ ذیل ثبت ۸۲۰۷ صفحه ۲۶۲ دفتر جلد ۹۴ به نام نادعلی سهرابی پورخانی ثبت و سند صادر گردید در اثر جاییایی مفقود گردیده است. لذا در اجرای ماده ۱۲۰- اصلاحی آیین نامه قانون ثبت و تبصره های ذیل آن در صورتی که تا ۱۰ روز تا انتشار آگهی اعتراض نرسیده یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشده باشد نسبت به صدور سند المثنی اقدام خواهد شد.

رونوشت: به ستاد اجرایی فرمان امام (ره)جهت استحضار
م.الف. ۲۲۷۰۲۲۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

سید مهدی حسینی کریمی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بابل ۴۱۸۵

شماره: ۱۳۹۵-۰۳-۲۰-۵۰۲۰۲۷-۱۴۰۵
تاریخ: ۱۴۰۵/۰۶/۲۰

قوه قضائیه

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان

اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۵-۰۳-۲۰-۲۷-۱۴۰۵ هیات سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان تصرفات مالکانه مالکیت اقلی مصطفی ایمینی به شناسنامه شماره ۴ و شماره ملی ۱۳۹۱۷۲۹۴۸۸ صادره اصفهان فرزند مهدی در شش‌دانگ یکپای ساختمان به مساحت ۵۵۹۲/۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۸۹۷ اصلی واقع در بخش ۵ ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی روی می‌شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی واردخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدینجهت است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار ثبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۵
شلسه آگهی: ۲۲۷۰۲۶۰

۴۱۷۸